

آینده سیاسی لیبی

(با تأکید بر ائتلاف ژنرال حفتر و سیسی)

مصطفی قاسمی *

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هجدهم، شماره 1، پیاپی 69، بهار 1396؛ صفحات 94-65.

تاریخ پذیرش نهایی: 1396/02/30

تاریخ دریافت: 1396/02/15

چکیده

با شروع روند بیداری اسلامی از کشور تونس، کشورهای مستعد بحران نظیر لیبی نیز با قیام مردم مسلمان مواجه شدند و بعد از 9 ماه جنگ و درگیری بین نیروهای قذافی و انقلابیون، در مرداد سال 1390 انقلابیون پیروز شدند. پس از پیروزی انقلابیون لیبی، مرحله جدیدی در حیات سیاسی و اجتماعی این کشور آغاز شد. ابتدا به نظر می‌رسید روند دولت‌سازی در این کشور به آرامی و با فراز و نشیب‌های اندکی طی شود؛ اما به‌رغم این امیدها و تلاش‌های اولیه، پس از سقوط قذافی نه تنها یک دولت قدرتمند و مردمی در لیبی شکل نگرفت، بلکه بعد از گذشت بیش از 6 سال از انقلاب لیبی، هنوز اختلافات شدیدی بین مقامات و گروه‌های مؤثر در این کشور پا برجاست که باعث می‌شود شاهد حضور دو دولت و دو پارلمان در لیبی باشیم. یکی از مهم‌ترین نیروهای میدانی مؤثر در لیبی، ژنرال حفتر است که به دلیل پیروزی‌های میدانی او و حمایت‌هایی که از سوی برخی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی از او می‌شود، توانست خود را به‌عنوان یکی از گزینه‌های اصلی به دست گرفتن حکومت در لیبی آینده مطرح کند.

بر همین اساس، این پرسش مطرح می‌شود که در میان بازیگران داخلی لیبی، ژنرال حفتر چه جایگاه و نقشی در آینده سیاسی لیبی خواهد داشت؟ بنابراین هدف از این نوشتار، بررسی آینده سیاسی لیبی با تأکید بر نقش ژنرال حفتر در آینده لیبی و حمایت‌های ژنرال سیسی از این مسئله است.

واژگان کلیدی

لیبی، انقلاب لیبی، آینده سیاسی، ژنرال خلیفه حفتر، ژنرال عبدالفتاح سیسی.

مقدمه

لیبی کشوری عربی در شمال آفریقا است که ساختار آن مبتنی بر قبایل است و از لحاظ مساحت، سومین کشور پهناور قاره آفریقا و شانزدهمین کشور پهناور جهان محسوب می‌شود. این کشور با کشورهای مصر، سودان، چاد، نیجر، الجزایر و تونس مرز مشترکی دارد و دارای طولانی‌ترین ساحل در میان کشورهای حوزه دریای مدیترانه با حدود هزار و 955 کیلومتر است.

نفت منبع اصلی درآمد لیبی است و ذخایر نفتی این کشور نیز تا پیش از سال 2010 میلادی، 41 میلیارد و 500 میلیون بشکه برآورده شده بود و به همین دلیل در صدر کشورهای نفت‌خیز آفریقایی قرار دارد.

بعد از وقوع انقلابات منطقه شمال آفریقا، لیبی از کشورهایی بود که در این مسیر گام نهاد و مردم این کشور شاهد سقوط و کشته شدن قذافی شدند. بعد از پایان دیکتاتوری 42 ساله قذافی، این امیدواری وجود داشت که جامعه لیبی، با تحمل سال‌های طولانی دیکتاتوری، مسیر خود را به سمت دموکراسی پیش خواهد گرفت؛ اما این انقلاب نه تنها تا کنون به مردم‌سالاری نهادمند نینجامیده، بلکه شاهد انواع خشونت‌های گسترده نیز بوده است.

بعد از سقوط قذافی، گروه‌های مسلح زیادی که هر کدام خود را انقلابی می‌نامند، با دستیابی به انبارهای سلاح‌های قذافی، خشونت‌های گسترده‌ای در این کشور ایجاد کرده‌اند و هرکدام در پی دستیابی به حداکثر سهم قدرت در لیبی هستند. بسیاری از این گروه‌های مسلح، تمایلی به تشکیل دولت قدرتمند ندارند؛ زیرا تشکیل دولت و ارتش مقتدر به معنای ضعف و در نهایت حل شدن آنها در درون دستگاه نظامی حکومت مرکزی خواهد بود. درگیری مسلحانه صدها گروه کوچک و بزرگ، آشفتگی در عرصه سیاست و نبود دولت قدرتمند مرکزی، لیبی را به یکی از آشفته‌ترین کشورها بدل کرده است و عنوانی بهتر از دولت ورشکسته نمی‌توان بر وضعیت این کشور بعد از انقلاب نهاد. در حال حاضر، در



لیبی دو دولت موازی حاکم است: نخست پارلمان و دولتی که در شرق لیبی (طبرق) و در همسایگی مصر قرار دارد که ژنرال خلیفه حفتر در این مجموعه تعریف می‌شود. دوم دولت وفاق ملی به نخست‌وزیری فائزالسراج که در «طرابلس»، پایتخت این کشور واقع و بر اساس مذاکرات صخیرات تشکیل شده و مورد قبول جامعه جهانی است، البته در کنار این دو نیروی اصلی، قبایل، گروه‌ها و شبه‌نظامیان زیادی نیز حضور دارند که ممکن است بر اساس منافع خود به یکی از گروه‌های اصلی درگیری در لیبی بپیوندند و غالباً به دنبال گسترش نفوذ خود در مناطق نفتی لیبی هستند.

با توجه به جمعیت کم و درآمد سرشاری که لیبی از فروش نفت دارد، این کشور می‌تواند در صورت برخورداری از ثبات و استقرار یک دولت قدرتمند در این کشور، در سریع‌ترین زمان، مسیر پیشرفت را طی کند و با توجه به تفکر اسلامی مردم لیبی و فرهنگ استقلال‌خواهی که در این کشور وجود دارد، به یک بازیگر مؤثر در خاورمیانه و شمال آفریقا تبدیل گردد.

با توجه به این پتانسیل‌ها در لیبی، این مسئله باعث شده دشمنان خارجی با دخالت و حمایت از گروه‌های مسلح داخلی، امنیت را به کالایی نایاب در لیبی تبدیل کنند و بعد از گذشت شش سال از قیام مردم این کشور، هر روز شاهد گسترش هرج و مرج در این کشور باشیم. البته ناامنی ناشی از این هرج و مرج را باید «ناامنی کنترل شده» نامید؛ زیرا به‌رغم مسافت کمی که لیبی با کشورهای اروپایی دارد، تا کنون آثار این ناامنی در اروپا مشاهده نشده؛ بلکه این ناامنی خود لیبی و برخی از همسایگان این کشور مانند مصر، الجزایر و تونس را متأثر کرده است.

مصر به عنوان یکی از کشورهای اثرپذیر از ناامنی‌های موجود در لیبی تلاش می‌کند دولت مقتدر و هم‌سویی در این کشور بر سر قدرت آید. لذا طی چند سال اخیر، حمایت‌هایی از ژنرال حفتر داشته است. حمایت این کشور و برخی دیگر از کشورهای عربی مانند عربستان به‌ویژه امارات باعث شده ژنرال حفتر

به‌عنوان فرمانده ارتش لیبی و بازوی نظامی دولت طبرق پیروزی‌هایی در مبارزه با گروه‌های تروریستی و افراط‌گرا به‌دست آورد. این مسئله بر وزن و جایگاه ژنرال حفتر افزوده و او را به یکی از بازیگران و نقش‌آفرینان در آینده سیاسی لیبی تبدیل کرده است.

با توجه به اهمیت تحولات لیبی، در این مقاله تلاش خواهد شد با روش توصیفی - تحلیلی ضمن بررسی چرایی استمرار بحران سیاسی - امنیتی در لیبی و بازیگران مؤثر در صحنه میدانی و سیاسی این کشور، زمینه‌های داخلی پذیرش حفتر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیروهای مؤثر در صحنه میدانی در آینده سیاسی آن واکاوی شود. در ادامه، تأثیر تحولات لیبی بر مصر به‌عنوان یکی از همسایگان لیبی بررسی خواهد شد و بعد از بیان چالش‌های سیاسی و حفتر در استقرار قدرت در لیبی، آینده سیاسی این کشور با توجه به حضور حفتر ترسیم خواهد شد.

1. مدخل نظری: نقش و حضور نظامیان در عرصه سیاسی لیبی

یکی از تأثیرگذارترین شکاف‌ها بر فرهنگ سیاسی خاورمیانه، حضور نظامیان در عرصه سیاسی کشورهای این منطقه است. وجود امتیاز ویژه نظامیان در عرصه قدرت سیاسی و ترس از وقوع و شکل‌گیری کودتای نظامی در این کشورها، روند دموکراتیزاسیون را در این منطقه طی دهه‌های گذشته با مشکل مواجه کرده و به این دلیل که حضور دموکراسی کامل در یک کشور با کاهش قدرت نظامیان در عرصه سیاسی رابطه معکوس دارد، روند سیاسی این منطقه در قرن بیستم و دهه اول قرن بیست و یکم به سوی یک دموکراسی ناقص در حرکت بوده است.

این شکاف، روند دوری در سیاست داخلی کشورهای خاورمیانه ایجاد کرده که با حرکت نظامیان به سوی عرصه قدرت سیاسی، فضای نیم‌بند جامعه مدنی بسته و با حرکت نیروهای مدنی برای بازپس‌گیری دوباره این جایگاه، نیروهای ارتشی به سوی پادگان‌ها و مراکز نظامی رانده می‌شوند. این روند در



بسیاری از کشورهای خاورمیانه به وضوح دیده می‌شود.

نظریه‌های مختلفی درباره حضور نظامیان در عرصه سیاسی وجود دارد. جوویتز معتقد است دخالت نظامیان نشانه بی‌ثباتی سیاسی و یکی از عوامل این بی‌ثباتی است و هر اندازه مداخله نظامی بیشتر باشد بی‌ثباتی سیاسی بیشتر می‌شود. نظریه ارتش حرفه‌ای که از طرف نوردلینگر، هانتینگتون و پرل موثر ارائه شده بر این فرض است که در صورت شکل‌گیری نهادها (احزاب و مجالس قانون‌گذاری)، دخالت نظامیان در عرصه سیاسی کاهش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، نهادینه شدن باعث کاهش مداخله نظامیان در عرصه سیاسی می‌شود (لطفیان، 1388: 5).

از نظر هانتینگتون، پراتوریانیسم ویژگی جامعه‌ای سیاست‌زده است که نه تنها نظامیان، بلکه نیروهای اجتماعی دیگری نیز در امور سیاسی آن دخالت دارند. علت‌هایی که نظامیان را به دخالت در سیاست می‌کشاند نه در سرنوشت گروه، بلکه در ساختار جامعه نهفته‌اند. این علت‌ها به‌ویژه در نبود یا ضعف نهادهای سیاسی کارآمد جامعه ریشه دارد (هانتینگتون، 1386: 281-289).

حضور نظامیان در عرصه سیاسی در خاورمیانه سابقه‌ای طولانی دارد؛ ولی این جایگاه والای ارتش در خاورمیانه در قرن بیستم به تجربه کمک ارتش به استقلال و دولت‌سازی در این کشورها برمی‌گردد. حضور این قشر در عرصه سیاسی در کشورهای مختلف خاورمیانه بارز است. رهبران نظامی مصر (1952) و لیبی (1969) با کودتای نظامی، قدرت را به دست گرفتند. مسئله بارز در این میان این است که «در بیشتر کشورهای خاورمیانه، ارتش به رژیم وفادار است تا به ملت یا به نظام دموکراتیک» (روبین، 2002: 7-14).

در لیبی، حضور نظامیان در عرصه سیاسی به وضوح در طول چند دهه اخیر قابل مشاهده است. نوع به قدرت رسیدن قذافی و نحوه به کارگیری ارتش توسط او در طول حکومتش، نشانگر نقش پررنگ ارتش و نیروهای امنیتی در

جامعه و نبود حتی جامعه مدنی نیم‌بند در این کشور بود. قذافی قدرت خود را در لیبی مدیون کودتای 1969 ارتش بود. در این سال، شماری از افسران ارتش به فرماندهی معمر قذافی که در آن زمان 27 سال سن داشت، پادشاهی ادريس را برانداختند و سپس جماهير مردمی سوسیالیستی را در لیبی برپا کردند. قذافی در طول حکومتش از طریق فلسفه سه جهان خود و با کمک ارتش، دست به ایجاد دولت استبدادی زد تا از این طریق بتواند یکسان‌سازی انجام دهد و از طریق حذف و مطیع کردن قبایل برای ایجاد نهادی منسجم اقدام کند. در دوره قذافی، جامعه مدنی به معنای مدرن وجود نداشت؛ به طوری که خود قذافی در کتاب سبزش، حزب را دیکتاتوری جدید می‌نامید. نظام سیاسی لیبی در دوره او به جای اتکا به جامعه مدنی، احزاب، گروه‌ها و نهادهای سیاسی مدنی مبتنی بر حمایت قبیله‌ای و ارتش، کاملاً استبدادی و خودکامه بود. تشکیل احزاب و جامعه مدنی نیز ممنوع بود و گروه‌های مخالف توسط نیروهای نظامی سرکوب می‌شدند (امام جمعه، 1392: 8).

تنها نیرویی که می‌توان در دوره قذافی به عنوان نهاد مدنی برشمرد، قبایل بودند که می‌توانستند به صورت نیم‌بند ابراز وجود کنند که این نهاد نیز همواره از سوی نهادهای امنیتی و ارتش سرکوب و سران آن مجبور می‌شدند پرچم اطاعت از قذافی را برافرازند. در طول حکومت قذافی، کاهش نقش نهادهای مدنی با افزایش نقش ارتش در جامعه همراه بود. قذافی در طول حکومت خود با نهادهای مدنی مخالف بود؛ به طوری که در رابطه با مجالس قانون‌گذاری اعلام می‌کرد مجلس شورای ملی، یک نیزنگ در قبال ملت است و رژیم‌های پارلمانی راه حل دغل‌کاری برای حل مشکل دموکراسی هستند. همچنین او در رابطه با مراجعه به آرای عمومی معتقد بود مراجعه به آرای مردمی، یک فریب کاری در برابر دموکراسی است و احزاب، دیکتاتوری مدرن هستند (سمیعی اصفهانی، 1393: 76-78).

قذافی با همین پیش‌فرض‌ها به حذف نیروهای مخالفی چون جبهه نجات ملی



در دهه 1980-1990، نیروهای اخوان المسلمین و بقیه نیروهای مدنی مخالف از طریق ارتش و نیروهای امنیتی خود دست می‌زد. نقش نیروهای امنیتی در حذف نیروهای مدنی در لیبی به حدی گسترده بود که نیروهای امنیتی برای حذف نیروهای مخالف حتی تا آمریکا و کشورهای خارجی می‌رفتند. در این میان، آنچه در لیبی بعد از قذافی بیش از دوره قبل دیده می‌شود، افزایش نقش نیروهای نظامی به دلیل حضور پررنگ نیروهای شبه نظامی و کاهش امنیت در دوره بعد از انقلاب است که همین موضوع، باعث در حاشیه قرار گرفتن جامعه مدنی و به عبارت بهتر، کوچک تر شدن آن در سایه رشد بی محابای نظامی گری و تنش های نظامی پس از انقلاب در این کشور است (سمیعی اصفهانی، 1393: 76-78).

با توجه به عدم توسعه فرهنگ سیاسی، جامعه لیبی به جای این که بر پایه تفکر و مذاکره راه حل اختلافات را در پیش بگیرد به سمت زور اسلحه حرکت می کند و همه نیروها اعم از اسلام گرا، سکولار و افراط گرایان قصد دارند موضوعات را با تکیه بر زور رفع کنند. در این میان، مردمی که بعد از تحمل 42 سال دیکتاتوری قذافی، با انقلاب سال 2011 امیدوار به شکل گیری نظامی دموکراتیک بودند، در وضعیت فعلی برای دست یافتن به حداقل ها یعنی «امنیت»، چاره ای جز روی آوردن به کسی که بتواند حتی با قربانی کردن سایر حقوق شهروندی، امنیت را برقرار کند، ندارند.

2. چرایی استمرار بحران سیاسی - امنیتی در لیبی

با این که بیش از 6 سال از قیام مردم لیبی می گذرد، این کشور وارد بحرانی شده که هنوز ادامه دارد. عوامل متعددی باعث استمرار این بحران شده اند که در یک تقسیم بندی کلی می توان به عوامل داخلی و خارجی اشاره کرد. از عوامل داخلی مؤثر در ایجاد بحران در لیبی می توان به درگیری بین نخبگان

جدید و قدیم، درگیری بین اسلام گرایان و رقبای سیاسی آنان، رویارویی قبیله ای و منطقه ای، فروپاشی دولت لیبی و حاکمیت شبه نظامیان اشاره کرد. خشونت در لیبی در اصل به مبارزه گروه های گوناگون برای نیل به منابع اقتصادی و قدرت سیاسی در کشوری برمی گردد که از خلأ نهادی و فقدان یک میانجی گر مقتدر مرکزی رنج می برد؛ میانجی گری که از اقتدار و توان لازم برای اجبار و الزام گروه های دیگر به منظور تحقق ثبات و امنیت در این کشور برخوردار باشد (عوض پور، 1393).

ساختار اجتماعی لیبی، ساختاری قبیله ای است. مهم ترین ویژگی چنین ساختاری، عدم تمرکزگرایی است و همین موجب شده ایده تشکیل دولت قدرتمند و مورد اعتماد مرکزی با استقبال قبایل لیبی مواجه نشود. آنچه عدم تمرکزگرایی در قبایل لیبی را تقویت کرده، وجود اختلافات بین قبایل، بی اعتمادی به دولت مرکزی به ویژه در حوزه تأمین امنیت و بیم از به حاشیه رانده شدن است که در دوره زمامداری قذافی در برابر برخی از قبایل از جمله قبایل شرق این کشور اعمال شد.

عوامل مذکور، ایده تشکیل گروه های شبه نظامی مخصوص هر قبیله را به ویژه میان قبایل ساکن شرق لیبی تقویت کرد، چون اغلب این قبایل در زمان قذافی به حاشیه رانده شده بودند. به همین دلیل به محض شعله ور شدن آتش انقلاب 17 فوریه، قبایل مناطق شرقی به موج انقلاب پیوستند و پس از آن خواستار جدایی از دولت مرکزی شدند (شفیعی، 1393).

اگرچه لیبی برخلاف تونس، مصر و یمن از اقلیت های مذهبی و حتی نژادی برخوردار نیست و همین امر خود فرصتی بزرگ برای شکل گیری مردم سالاری و همراهی مردم آن به شمار می آید، اما در لیبی وابستگان به قذافی، عناصر منتسب به اخوان المسلمین، گروه های سکولار، سلفی های سستی، گروه های تروریستی و افراطی بازیگران داخلی بحران هستند که وجود این تفکرات و جریان های



نامتجانس و متعارض مانع از شکل‌گیری دولت وفاق ملی شده است (لطیفی رستمی، 1395). هرکدام از نیروها نخست خواسته‌ها و مطالبات خود را دنبال می‌کنند و هم‌زمان نیز در داخل خود ناهمگون و دچار تشتت آرا هستند؛ لذا تا کنون همه نیروها نتوانسته‌اند حول محور مشترکی که منافع ملی را تأمین کند به توافق برسند؛ نتیجه جبری چنین حالتی، تجزیه عملی قدرت و تشدید تضادهاست که می‌توان نمونه عینی آن را در فقدان تصمیم‌گیری بر سر مسائل اصلی کشور مشاهده کرد (ابراهیم نیا، 1394). علاوه بر ناهمگونی فکری، ریشه‌دار نبودن دموکراسی و مردم‌سالاری باعث شده است لیبی همچنان در آتش بحران بسوزد.

3. بازیگران مؤثر در صحنه میدانی و سیاسی لیبی

الف) بازیگران داخلی

علاوه بر صدها گروه شبه‌نظامی و گروه‌های مسلحی که در لیبی بعد از قذافی حضور دارند، به طور کلی می‌توان دو نیروی مؤثر و اصلی را در صحنه میدانی لیبی برشمرد:

1. جریان اسلام‌گرا در لیبی که مهم‌ترین این جریان‌ها شامل اخوان‌المسلمین و فجر لیبی است که در مقابل جریان سکولار و خلیفه حفتر قرار دارند. این جریان‌ها مورد حمایت قطر و ترکیه هستند. جریان اسلام‌گرا عمدتاً در طرابلس، پایتخت لیبی، حضور دارند و پارلمانی را که در شهر طبرق تشکیل شده، قبول ندارند و در قالب کنگره ملی سابق به فعالیت می‌پردازند. یکی از مهم‌ترین بازیگران اسلام‌گرا، نیروهای فجر لیبی هستند که در معادله قدرت نقش مهمی ایفا می‌کنند. نیروهای فجر لیبی از حامیان اصلی کنگره ملی در طرابلس محسوب می‌شوند. دولت وفاق ملی به ریاست فائز السراج که نتیجه چندین دور مذاکرات بین گروه‌های مختلف در لیبی و مورد تأیید مجامع بین‌المللی نیز است، در طرابلس استقرار دارد و مورد حمایت گروه فجر لیبی قرار دارد. دولت وفاق ملی با استفاده از یگان‌های مسلح

جریان «فجر لیبیا» (با گرایش اخوانی، سلفی و اغلب از اهالی شهر مصراته هستند) اقدام به تشکیل چند اتاق عملیاتی کرد که عملیات «بنیان مرصوص» علیه داعش در منطقه «سرت» منجر به آزادی این منطقه شد. حکومت وفاق ملی علاوه بر اختلافات درونی، مورد تأیید همه گروه‌ها در لیبی نیست و هنوز نتوانسته رأی اعتماد پارلمان را نیز اخذ کند. نیروهای فجر لیبی به عنوان حامیان اصلی و بازوی نظامی این دولت نیز به دو گروه تقسیم می‌شوند: یک گروه شامل رهبران شهری مصراته که به مذاکرات پای‌بند هستند و گروه دیگر نیز شامل تجزیه‌طلبان و تکفیری‌های افراطی هستند که با مذاکرات، گفت‌وگوها و دولت وفاق ملی مخالفت می‌کنند. نیروهای فجر لیبی تا پیش از حضور رسمی داعش در این کشور هم‌پیمان گروه تکفیری انصارالشریعه بودند و بخش زیادی از موفقیت‌های میدانی آنها در طرابلس نیز ناشی از همین سیاست بود.

پس از حضور رسمی داعش در لیبی در نوامبر 2014، انصارالشریعه با داعش بیعت کرد و با فجر لیبی دچار اختلاف شد، زیرا فجر لیبی با حضور داعش در این کشور مخالف بود (گروه‌هایی که بر لیبی تسلط دارند، 1395).

با توجه به مشکلاتی که دولت وفاق ملی در استقرار قدرت در لیبی دارد، تلاش کرده باب مذاکره با گروه‌ها و بازیگران مؤثر در لیبی را باز کند. یکی از این بازیگران، ژنرال حفتر است که چندین دور مذاکره بین او و سراج انجام شده و توافقاتی نیز بین طرفین برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در مارس 2018 صورت گرفته است (دوای التقارب بین ...، 2017).

2. ژنرال خلیفه حفتر که به عنوان فرمانده ارتش و بازوی نظامی دولت طبرق توانسته پیروزی‌هایی در لیبی در مبارزه با گروه‌های افراطی به دست آورد و جایگاه خود را به عنوان یکی از بازیگران اصلی و مؤثر در لیبی ارتقا دهد، ارتش به فرماندهی ژنرال حفتر در قالب عملیات «الکرامه» دست به اقدامات نظامی علیه نیروهای افراط‌گرای اخوانی و سلفی در منطقه درنه و بنگازی زد و توانست بر



بخش مهمی از شهر بنغازی نیز مسلط شود (نگاهی به روند تحولات لیبی، 1395). ژنرال حفتر فردی است که تحصیلات نظامی را در آکادمی نظامی بنغازی گذراند و در شوروی نیز آموزش دید. حفتر بیست ساله یکی از نظامیان جوانی بود که قذافی جوان را در کودتای 1969 برای سرنگونی پادشاه ادریس سنوسی یاری کرد. وی همچنین یکی از اعضای شورای فرماندهی انقلاب بود که برای اداره کشور در روزهای پس از انقلاب تعیین شده بود. حفتر در سال 1987 در حالی که به عنوان فرمانده نیروهای نظامی لیبیایی مستقر در چاد در جنگ لیبی و چاد عمل می کرد، به اسارت چادی ها درآمد. دولت لیبی تلاشی برای آزادی آنها نکرد و اعلام کرد آنها از ارتش پیروی نمی کرده اند.

وی بعد از چند سال زندان در سال 1990 آزاد شد و همراه با تعدادی از همزمانش به آمریکا رفت. حفتر چند روز پس از آغاز قیام عمومی علیه حکومت قذافی در سال 2011 به کشورش بازگشت تا در انقلاب 17 فوریه مشارکت داشته باشد. شورای حکومت انتقالی لیبی در این دوران وی را به عنوان فرمانده نیروی زمینی برگزیده بود که سومین مقام مهم در ارتش مخالفان قذافی پس از عبدالفتاح یونس فرمانده کل قوا و عمر الحریری رئیس ستاد محسوب می شد (Majorino, 2015).

وی به بهانه این که قذافی هیچ گاه نیرویی تحت عنوان «ارتش لیبی» تشکیل نداده، به همراه جمعی از نظامیان لیبیایی «ارتش ملی لیبی» را تشکیل داد. کمی پس از سقوط رژیم قذافی، حدود 150 افسر و افسر وظیفه وی را فرمانده جدید ارتش لیبی اعلام و در واقع سعی کردند دولت را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند؛ اما مقامات دولت با این موضوع مخالفت کردند.

در ابتدای حرکت حفتر، زیدان، نخست وزیر وقت، وی را به انجام کودتا علیه حکومت متهم کرد؛ حتی عبدالله الثنی، نخست وزیر بعدی که به بنغازی در شرق لیبی رفته بود نیز تحرکات و عملیات نظامی حفتر را کودتایی علیه (دولت)

قانونی دانسته بود، ولی پس از انتخابات پارلمانی و با توجه به تسخیر پایتخت توسط نیروهای فجر لیبی، نمایندگان پارلمان جدید به شهر طبرق منتقل شدند و در حوزه امنیتی به حفره پناه بردند. این اقدام به حرکت حفره از دید دولت و پارلمان طبرق مشروعیت بخشید. پارلمان لیبی که جلسات خود را در طبرق در شرق این کشور برگزار می کند، حمایت خود را از عملیات نظامی «کرامت» اعلام کرد و بعد از توانمندی هایی که حفره در صحنه میدانی نشان داد، تصمیم گرفت سمتی را با عنوان «فرمانده کل ارتش» برای ژنرال حفره ایجاد کند.

حفره که توانسته بود نظامیان سابق را جذب کند و نیرویی به نام «ارتش ملی» تشکیل دهد، با توجه به اقدامات پیشین سلفی ها در گسترش ناامنی، عملاً از حمایت های گسترده مردمی در داخل لیبی برخوردار شد و مورد حمایت جریان ضد اخوان در جهان اسلام به ویژه کشورهای مصر، سعودی، امارات و ... قرار گرفت. در مقابل، گردان های انقلابی که خود را صاحبان اصلی انقلاب می دانستند با صف آراییی مقابل ارتش حفره و ائتلاف با یکدیگر و تشکیل نیرویی به نام «فجر لیبیا» جنگ داخلی را آغاز کردند. ژنرال حفره در استراتژی خود اعلام کرد پس از تصرف شهر بنغازی، شهرهای درنه، سرت، مصراته و طرابلس را با قدرت نظامی از وجود نیروهای شبه نظامی پاکسازی می کند و بر کل کشور مسلط می شود. در مقابل، جریان فجر لیبیا اعلام کرد پس از تصرف پایتخت، مناطق ورشخانه، زنتان، بنادر نفتی و شرق لیبی را تصرف خواهد نمود. اخوان المسلمین لیبی نیز در مخالفت با خلیفه حفره، وی را نسخه برابر اصل عبدالفتاح سیسی (رئیس جمهور فعلی مصر) در لیبی دانست (خلیفه حفره کیست، 1393).

حفره که از پشتیبانی بسیاری از افسران ارتش لیبی برخوردار است و خود را فرمانده ارتش این کشور می داند، در ماه مه 2014 عملیاتی را با نام «کرامت لیبی» به اجرا درآورده است. در این عملیات، نیروهای حفره پایگاه های گروه های شبه نظامی را در بنغازی دومین شهر بزرگ لیبی هدف قرار دادند که بعد از چند



سال مبارزه در جولای 2017 توانست تسلط نسبی بر بنگازی پیدا کند. حفتر هدف از این عملیات را پاکسازی لیبی از گروه‌های تروریستی و تکفیری و اخوان‌المسلمین اعلام کرده است.

نتیجه دو سال جنگ عملاً نشان می‌دهد که توان حفتر در تصرف بنگازی و همچنین توان فجر لیبیا در تصرف زنتان و بنادر نفتی متوقف شده است. حفتر بر قدرت هوایی و تجربه نظامی تکیه دارد و با کمبود نیرو و تسلیحات مواجه است. نیروهای انقلابی نیز بر روحیه جنگ‌آوری و تجهیزات رزمی و کمیت بالای نیروی انسانی و تجربه جنگ‌های شهری تکیه دارند؛ ولی فاقد قدرت هوایی و فرماندهی متمرکز نظامی و سیاسی هستند (خبرنامه تحولات لیبی، 1393: 35).

با این حال، حفتر توانست تا حد زیادی توازن قوا در لیبی را به نفع خود رقم بزند و پس از دستاوردهای نظامی در رویارویی با شبه‌نظامیان مسلح و گسترش نفوذ خود در بخش مهمی از شرق لیبی به‌ویژه بنگازی، دومین شهر بزرگ این کشور، گام بلندی را برای رسیدن به بالاترین نقطه هرم قدرت از طریق نامزد شدن و انتخابش از سوی پارلمان طبرق برای فرماندهی کل نیروهای مسلح لیبی بردارد. بنابراین وی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین بازیگران عرصه سیاسی و امنیتی لیبی کنونی محسوب می‌شود (Libya: no solution, 2016).

ب) حامیان خارجی

برطرف شدن حاکمیت دوگانه و استقرار دولت واحد در لیبی، فارغ از مسائل پیچیده داخلی به عنصر خارجی و مداخله‌گر بیرونی نیز ارتباط دارد. به عبارتی در کنار متغیر داخلی به عنصر آشوب ساز خارجی هم باید اشاره کرد؛ زیرا جانب‌داری از طرف‌های درگیر بر عمق بحران فراگیر در لیبی افزوده است (یزدانی، 1393).

نیروهای حفتر، دولت طبرق و بخشی از ارتش ملی که در یک جبهه هستند،

از سوی مصر، امارات، عربستان، اخوان المسلمین و نیروهای مسلح فجر لیبی از جانب ترکیه و قطر پشتیبانی می‌شوند. با توجه به وضعیت آشوبناک لیبی، در این میان بیشترین نگرانی را همسایگان لیبی دارند؛ زیرا بحران لیبی نخست تأثیر مستقیم بر آنان دارد، لذا سعی کردند در این مسیر تا حد توان به مقابله با شرایط فعلی در لیبی بپردازند. هر چند همسایگان هدفشان لیبی واحد است و تا کنون در این زمینه، جلسات متعددی در تونس، مراکش، الجزایر و اسپانیا برگزار کرده‌اند؛ ولی سنگینی وزن آن‌ها به سمت دولت طبرق و حمایت از ژنرال حفتر است.

دولت‌های غربی نیز یک طرف مهم معادله اوضاع بحرانی در لیبی را تشکیل می‌دهند. این دولت‌ها که در قالب نیروهای ناتو، عملیات اصلی سرنگونی قذافی را برعهده داشتند با سیاست‌های دوگانه خود در این کشور بحران‌زده، نقش اصلی را در گسترش گروه‌های تکفیری و افراطی ایفا نموده‌اند. در حال حاضر، غربی‌ها به رهبری آمریکا و فرانسه، از ضرورت گفت‌وگو و آشتی ملی در لیبی سخن به میان می‌آورند و با اعزام نماینده سازمان ملل به صورت ظاهری، تلاش در جهت حل سیاسی بحران لیبی دارند (یزدانی، 1393).

آمریکایی‌ها در دروه اوپاما تمایلی به حضور نظامی مستقیم در لیبی نشان ندادند و تلاش کردند با هر دو دولت مستقر در لیبی تعامل داشته باشد، اما ترامپ با روی کار آمدن دولت خود، حمایتش را از ژنرال حفتر اعلام کرد. ترور سفیر آمریکا در لیبی به دست انقلابیون معترض آن چنان کاخ سفید را از دست انقلابیون خشمگین کرد که آنها نیز به دنبال فرصتی بودند تا اوضاع در مسیر اهداف شان قرار گیرد. اقامت بیش از 20 سال حفتر در این کشور و هم‌سویی او با مقامات آمریکایی، فرصت مناسبی برای قبضه قدرت و وابستگی این کشور آفریقایی به آمریکاست و از این رو واشنگتن با توجه به همراهی سعودی، امارات و مصر نگاهی امیدوارانه به ژنرال حفتر دارند (خبرنامه تحولات لیبی، 1393: 58). در این میان، هرچند اروپاییان (به ویژه ایتالیا و فرانسه) تمایلی به حضور مستقیم در اوضاع لیبی ندارند



و سعی می کنند این نقش را به همسایگان لیبی واگذار کنند و با حمایت از همسایگان این کشور اهداف مورد نظر خود را محقق سازند، باید گفت کشورهای اروپایی نگران افزایش شمار پناه جویان آفریقایی هستند و لیبی یکی از کشورهایی است که پناه جویان آفریقایی با قایق از آنجا روانه اروپا می شوند. گفته می شود نیروهای ژنرال حفتر، کنترل خوبی در مناطق تحت کنترل خود برای جلوگیری از عبور پناه جویان دارند؛ درحالی که در مناطق دیگر لیبی به دلیل نبود نیروهای سازماندهی شده جدی، چنین کنترلی عملاً انجام نمی شود. در نتیجه به نظر می رسد کشورهای اروپایی مانند ایتالیا بیشتر تمایل دارند ژنرال حفتر یا فردی مانند او کنترل لیبی را در دست داشته باشد تا حداقل از مشکل پناه جویان رهایی یابند. پاریس نیز روی ژنرال حفتر حساب باز کرده است. پایگاه خبری البوابه لیبی نوشته بود: جان اف لودریان، وزیر دفاع فرانسه گفته بود که حفتر بخشی از راه حل در لیبی است. پیروزی ها و موفقیت های حفتر در صحنه میدانی لیبی یکی از دلایل تمایل کشورهای اروپایی به حمایت بیشتر از حفتر است. با این حال ژنرال حفتر چندان از عملکرد کشورهای اروپایی راضی نیست و حمایت های بیشتری را از آنها انتظار دارد.

عملکرد منفعلانه اروپا و غرب سبب شده حفتر با سفر به مسکو، خواستار تقویت ارتش این کشور برای مقابله با تروریست های تکفیری شود. وی در سفر به روسیه اعلام کرد که خواستار آن است که دولت روسیه در بازگرداندن ثبات و قدرت به ارتش لیبی کمک کند. در واقع سیاست مداران لیبیایی و در رأس آنان، عبدالله ثنی و ژنرال حفتر از این گونه سفرها چند هدف را دنبال می کردند:

نخست این که این پیام را به غرب به ویژه اروپا بدهند که در صورت ادامه مواضع منفعلانه، لیبی را که در نزدیکی اروپا است به پایگاهی برای روسیه می کنند؛ دوم به کشورهای حاشیه خلیج فارس این هشدار را بدهند که لیبی با اتخاذ دیپلماسی فعال در این منطقه تنها نیست و ضمن کمک هایی که از همسایگان

خود دریافت می کند به دنبال کمک دیگر اعضای شورای امنیت از جمله روسیه است (ابراهیم نیا، 1394).

در مجموع تعریف و تمجید مقام‌های آمریکا و همچنین نزدیک بودن حفر به روسیه، مصر و الجزایر می‌تواند اجماع حمایت‌های بین‌المللی از وی را به وجود بیاورد.

4. زمینه‌های داخلی پذیرش حفر در آینده سیاسی لیبی

بسیاری از مردم و نخبگان لیبی نوین جویای بازیابی وحدت، ثبات و امنیت لیبی هستند؛ اما در حال حاضر چنین توانی در ساختار نوپای لیبی وجود ندارد. در چنین شرایطی امکان ظهور چهره‌های ملی و یا فرصت طلب برای کسب قدرت نیز فراهم می‌شود.

در حال حاضر و وضعیت کنونی لیبی، چالش سیاسی جز با کنار گذاشتن اختلافات قابل حل نبوده و نیست. از طرف دیگر ترس از تکه پاره شدن لیبی باعث شده تا حدودی زمینه‌هایی فراهم شود تا سیاست‌مداران این کشور در مواضع خود نسبت به یکدیگر کوتاه بیایند.

مسئله بعدی چالش امنیتی گسترش نفوذ و فعالیت گروه‌های تروریستی و قاچاق انسان و اسلحه سبب شده اساساً واژه‌ای به نام امنیت معنا نداشته باشد؛ لیکن سیاست‌مداران در لیبی به این نتیجه رسیده‌اند که اگر محیط کشور به شکل کامل تحت اختیار تروریست‌ها و قاچاقچیان قرار گیرد این کشور به سومالی و افغانستان دیگری تبدیل خواهد شد که به عنوان نمونه می‌توان از بحث انتقال پایگاه گروه‌های تروریستی خاورمیانه به لیبی که به شکل جدی میان اعضا و سران این گروه مطرح است، یاد کرد. سومین مسئله، چالش اقتصادی و اجتماعی، وضعیت ناامنی و عدم ثبات است که سبب شد عملاً نفت لیبی از بازار خارج و برخی از حساب‌های بانکی این کشور نیز مسدود شود. این موضوع سبب شده به دلیل نبود کار و امنیت، هر روز شاهد افزایش مهاجرت به کشورهای همسایه به شکلی که اکنون نزدیک به دو میلیون لیبیایی به تونس مهاجرت کنیم یا غرق



شدن قایق‌های آنان در راه اروپا باشیم (ابراهیم نیا، 1394).

در این میان، تسلط حفتر بر منطقه هلال نفتی یکی از برگ برنده‌های حفتر برای حضور و ایفای نقش در آینده سیاسی لیبی است. منطقه هلال نفتی، منطقه بسیار مهمی در لیبی و در وسط لیبی واقع شده و دولت‌های موقت شرق و غرب لیبی معتقد بودند که این منطقه می‌تواند توازن قدرت بین شرق و غرب را تغییر دهد. حفتر در حال حاضر صادرات نفت را در دست گرفته و قدرت برتر شده است. صادرات نفت لیبی در این چند سال از یک و نیم میلیون بشکه به 100 تا 200 هزار بشکه در روز رسیده بود، بعد از گرفتن هلال نفتی صادرات نفت تا 500 هزار بشکه در روز افزایش یافته است، آغاز صادرات نفت فضای روانی خوبی را در جامعه ایجاد کرده و می‌تواند تا حدی امید و آرامش را به لیبی بازگرداند (اکبری، 1395).

به نظر می‌رسد ژنرال حفتر در بستر داخلی با توجه به ادامه شرایط ناامنی و وضعیت سخت زندگی و اجتماعی روزمره مردم لیبی بتواند با اقبال خوبی روبرو شود. کسی که هم کاریزمای یک رهبر نظامی را دارد و هم یک قدرت تجهیزات نظامی در اختیار دارد و خیلی از مردم لیبی به ایشان به‌عنوان چهره‌ای که می‌تواند آنان را از این ناامنی مزمن نجات بدهد، نگاه می‌کنند. مردم لیبی، ژنرال حفتر را به‌عنوان چهره‌ای می‌شناسند که می‌تواند آنها را در مقابل ناامنی گروه‌های مسلح و شرایط هرج و مرجی که بعد از انقلاب در لیبی حاکم است، نجات دهد و این حمایت بستر نسبتاً مناسبی، برای رسیدن ژنرال حفتر به رأس قدرت در لیبی است (فخر طاولی، 1393).

در دو انتخاباتی که در لیبی بعد از انقلاب انجام شد، گرایش مردم لیبی به لیبرال‌ها و مستقلین بیش از اسلام‌گرایان بود. گرایش جامعه لیبی به لیبرال‌ها به‌دلیل اندیشه غرب‌گرایانه و اسلام‌ستیزانه لیبیایی‌ها نبود؛ بلکه رأی به آنان نوعی اعتراض به عملکرد خشن اسلام‌گرایان افراطی بود، زیرا لیبی جامعه‌ای سستی -

مذهبی است که نیروهای اسلامی به طور طبیعی از قدرت تأثیرگذاری بیشتری در آن برخوردار هستند.

در حال حاضر، فاصله اسلام‌گرایان افراطی از اسلام میانه‌رو بسیار بیشتر از فاصله لیبرال‌های لیبی از اسلام میانه‌رو مطلوب جامعه لیبی است و در آینده نیز هر گروه بتواند خود را به این بافت سنتی جامعه لیبی نزدیک‌تر کند و آن را بیشتر نمایندگی نماید، به همان میزان از نقش بالاتری در آینده لیبی برخوردار خواهد بود. در این میان ملی‌گرایان و نیروهای ژنرال حفتر را نیز باید از نیروهای مهم با گرایش‌هایی غرب‌گرایی در لیبی نام برد که مهم‌ترین بخش آن یعنی نیروهای ژنرال حفتر در حال حاضر یکی از دو طرف درگیر در صحنه لیبی است و در صورت پیروزی، زمینه برای فعال شدن سایر نیروهای غرب‌گرا و لیبرال در لیبی فراهم خواهد شد.

عموم مردم مسلمان لیبی، حکومت سکولار را تحمل نمی‌کنند؛ لذا حفتر زمانی موفق خواهد شد که مردم (به دلیل نابسامانی اقتصاد و ناامنی‌های کنونی) دنبال مفرّ نجات باشند و او را بپذیرند. بنابراین احتمال این که مردم به حفتر روی آورند، وجود دارد. در واقع اگر بحران لیبی به زودی از طریق سیاسی حل نشود و ناامنی افزایش یابد، شاید خود مردم نیز به این نتیجه برسند که دموکراسی نمی‌خواهند و امنیت در اولویت است و در چنین شرایطی هر کس بتواند امنیت را تأمین کند، برنده میدان و البته حاکم بعدی لیبی خواهد بود. ژنرال حفتر از کسانی است که در این میان بیشترین شانس را دارد و شاید برای این کار برنامه‌ریزی می‌کند و تحرکات او و نیروهایش نیز گواه این موضوع است (آیا ژنرال حفتر در ...، 1396). با پیگیری تحرکات ژنرال حفتر و نیروهایش که سعی می‌کنند خود را نجات‌دهنده لیبی نشان دهند، این نتیجه حاصل می‌شود که ژنرال حفتر می‌خواهد بگوید تنها اوست که می‌تواند امنیت را در لیبی تأمین کند و در همین راستا خود او و نمایندگان دست به اقداماتی در این جهت زده‌اند (ابراهیمی، 1393).



حضور بسیاری از افسران ارتش در کنار حفتر و پیروزی‌هایی که وی به دست آورده، باعث شده یکی از مهم‌ترین نیروهای مطرح برای آینده سیاسی لیبی باشد. باید اعتراف کرد یکی از قدرتمندترین گروه‌های فعال در لیبی، نیروهای تحت فرمان ژنرال حفتر است که با این که چندان موافق دولت وفاق ملی مورد حمایت جامعه بین‌الملل نیست، مورد حمایت بسیاری از کشورهای منطقه و از جمله مصر، عربستان، امارات و برخی کشورهای اروپایی است (غانمی، 2016). ژنرال حفتر شمار زیادی نیروی نظامی جمع‌آوری کرده که شمار دقیق‌شان مشخص نیست. روزنامه الشرق الاوسط، شمار نیروهای ژنرال حفتر را 70 هزار نفر اعلام کرده که البته تا حدودی اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد.

فعالیت‌های خود ژنرال حفتر نیز باعث شده تا در انظار عمومی تبدیل به یک چهره ویژه شود. بعد از پیروزی در بنغازی، وی با لباس سفید نظامی در تلویزیون ظاهر شد و بدون نام بردن از کشور خاصی، از کشورهای دوست که از نیروهای وی طی سه سال گذشته حمایت کرده‌اند، تشکر کرد. هدف ژنرال حفتر از ظاهر شدن در تلویزیون با لباس نظامی سفید همراه با مدال‌هایش این بود که این پیام را به داخل و خارج بفرستد که پس از سه سال یا بیشتر توانسته است اهدافی را محقق کند که دیگران از انجام آن ناتوان بوده‌اند و این سرآغاز مرحله‌ای جدید در لیبی است (آیا ژنرال حفتر در ...، 1396).

5. تأثیر تحولات لیبی بر حمایت سیسی از حفتر

در گذشته بحران‌های خشونت‌آمیز و تهدیدها بیشتر از سوی دولت‌های قوی ناشی می‌شد؛ اما در جهان کنونی، دولت‌های ورشکسته منشأ چنین تهدیدهایی هستند (Newman, 2009: 7-11). دولت‌های ورشکسته در اساس دولت‌هایی هستند که ظرفیت‌های مثبت خود مانند ارائه خدمات را از دست داده و ظرفیت تهدیدآفرینی بالایی هم برای مردم خود و هم برای کشورهای دیگر دارند.

دولت‌های ورشکسته از آنجا که درگیر اقدامات تروریستی در محیط داخلی خود هستند و از سوی دیگر توان کنترل بر مرزهای خود را ندارند، زمینه گسترش تهدیدهای خود را به کشورهای همسایه فراهم می‌کنند که این امر منجر به بی‌ثباتی منطقه‌ای می‌شود. دولت‌های ورشکسته نسبت به همه شیوه‌های قاچاق به‌ویژه پدیده قاچاق بین‌المللی سلاح به‌شدت آسیب‌پذیر هستند. در حوزه سلامت، مردمان این دولت‌ها اگر دچار بیماری واگیر شوند، به‌سرعت توان اشاعه آن به کشورها همسایه را دارند (Chauvet, Collier, 2007: 17). بنابراین لیبی به‌عنوان یک دولت ورشکسته آسیب‌های زیادی را می‌تواند بر مصر وارد کند.

از نگاه تاریخی نیز هیچ‌گاه مصر از حوادث مهم و رویدادهای لیبی دور نبوده، بلکه همواره، خواه در دوران عبدالناصر و خواه سادات، بازیگری مهم و همیشگی در قضایای این کشور بوده است؛ هرچند در عهد مبارک، اندکی از نقش منطقه‌ای مصر کاسته شد. از این رو قابل تصور نیست که مصر در دوران سیسی در برابر کشمکش‌های سیاسی، درگیری‌های نظامی و نابودی کامل مراکز دولتی به‌عنوان یک تماشاگر بایستد؛ حوادثی که بازتاب‌های خطرناکی بر امنیت ملی مصر خواهد داشت. شاید بهتر بتوان فهمید چرا سیسی، برعکس همه پیش‌بینی‌ها پس از به دست گرفتن قدرت، دیدار از الجزایر را به‌عنوان نخستین سفر خارجی خود برگزید، آن‌گاه که پرونده لیبی در بطن گفت‌وگوهایش با عبدالعزیز بوتفلیقه، همتای الجزایری‌اش قرار گرفت، به‌ویژه که دو کشور از بازتاب‌های این قضیه، دغدغه و دلهره مشترکی داشتند. این دیدار نشان داد که بحران لیبی نزد تصمیم‌گیرندگان مصری در اولویت نخست قرار دارد؛ بحرانی که به تهدیدی مستقیم برای امنیت مصر تبدیل شده است. بدون توجه به این که چه کسی حاکم مصر است، اوضاع جاری لیبی چالش امنیتی بزرگی فراروی قدرت در این کشور است، زیرا این کشور با مصر بیش از هزار کیلومتر مرز مشترک دارند که همواره هم در معرض خطر و تهدید است. شکاف سیاسی موجود میان نیروهای



اسلام گرا، حضور گسترده شبه نظامیان در لیبی، گسستگی امنیتی و جنگ قبیله‌ای در این کشور، مصر را در معرض سه خطر جدی قرار داده است:

1. خطر اول گروه‌های جهادی موجود در شرق لیبی و همجوار با مصر است. مصر به شدت از گسترش فعالیت گروه‌های افراطی در مرزهای غربی خود نگران بوده و خطر تسری اقدامات این جریان‌ها را در مصر احساس می‌کند. با توجه به درگیری مصر با جریان ولایت سینا، شاخه دیگر داعش در صحرای سینا و حضور گروه‌های افراطی در لیبی در مرزهای غربی به شدت اوضاع سیاسی مصر را تحت تأثیر قرار داده است. اعمال فشار مجدد بر مصر از ناحیه سینا قطعاً توانایی‌های ارتش این کشور را به چالش می‌کشد؛ زیرا ارتش هر اندازه قوی هم باشد نمی‌تواند در دو جبهه بجنگد، به‌ویژه این‌که درگیری‌ها، یک درگیری کلاسیک نیست بلکه جنگی است که از نظر زمانی و اقدامات محدودیتی ندارد. بنابراین مصر با حمایت علنی و غیرعلنی از اقدامات خلیفه حفتر، جنگ نیابتی را علیه گروه‌های تکفیری در لیبی برعهده گرفته است (یزدانی، 1393). پس از اقدام داعش در کشتن 21 کارگر قبلی مصر در لیبی، رئیس‌جمهور مصر، عبدالفتاح السیسی در سخنانی ضمن تهدید داعش به انتقام‌گیری، به نیروی هوایی این کشور (مصر) دستور داد تا با چند حمله هوایی مواضع این گروه تروریستی را در لیبی مورد تهاجم قرار دهند. سیسی علاوه بر کمک‌های نظامی، کمک‌های آموزشی و اطلاعاتی نیز به نیروهای خلیفه حفتر دارد.

2. تسلیحات موجود در لیبی که مقادیر زیادی از آن به درون مرزهای مصر قاچاق می‌شود.

3. کارگران مصری موجود در لیبی که بیش از یک میلیون نفر برآورد می‌شوند و بیشتر از طبقات تهیدست هستند. اینان از سوی برخی گروه‌ها در معرض عملیات انتقام جویانه قرار دارند یا احتمال دارد جذب گروه‌های افراطی شوند و در داخل مصر به عملیات جهادی دست بزنند (فاروق، 2016). جمعیت کم لیبی با

درآمد نسبتاً مناسب و در کنار آن، وجود کشورهایی با جمعیت زیاد و درآمد کم باعث شده این کشور به یکی از مقاصد کارگران خارجی تبدیل گردد؛ حتی در دوران ناامنی کنونی، هزاران کارگر مصری در لیبی مشغول به کار هستند. در گذشته نیز قذافی بارها از حربه امکان اخراج نیروی کار مصری علیه مبارک استفاده کرده بود. بنابراین حضور کارگران مصری در لیبی باعث جذب درآمد برای کشور اعزام کننده می شود و عملاً نوعی وابستگی به وجود می آورد و از همین رو می تواند به عنوان یکی از عوامل مقوم دولت قلمداد گردد (حکمتیان، 1393).

ناامنی در لیبی باعث شده هزاران کارگر مصری شاغل در لیبی از این کشور فرار کنند و به موطن اصلی خود بازگردند و این مسئله بر وخامت مشکل بیکاری در مصر افزوده است. قضیه کارگران مصری شاغل در لیبی همواره برای حاکمان مصر دردسرساز بوده است؛ شاید به دلیل ترسی که حسنی مبارک از اخراج کارگران مصری از لیبی داشته، با معمر قذافی مباحثات می کرده و با ادعاهای برتری طلبانه وی که خود را سرور اعراب و آفریقاییان می دانست، کنار می آمده است.

بدیهی است حضور جریان اخوان المسلمین در صحنه سیاسی لیبی نیز از دیگر عوامل حساسیت قاهره نسبت به تحولات داخلی کشور لیبی است. ژنرال سیسی حمایت خود را از ژنرال حفتر به صورت علنی مطرح کرده و به دنبال حذف و سرکوب اخوانی ها در این کشور است. از این رو قاهره ثبات نظام لیبی را از شاخصه های امنیت ملی مصر می داند و به برقراری آرامش در این کشور و بازسازی آن بعد از پایان کشتارهای 6 سال گذشته، اهتمام ویژه ای دارد.

در مجموع مهم ترین هدف کشور مصر درباره لیبی امنیت این کشور است. این امنیت، امنیت ملی مصر محسوب می شود و این کشور نمی پذیرد مرزهای غریبش ناآرام و مشتعل باشد. بنابراین قاهره به چند مسئله اعتقاد دارد:

ضرورت تشکیل ارتش ملی قوی که نیروهای خلیفه حفتر بخشی از آن باشد.
رفع تحریم های بین المللی از لیبی که در زمینه تسلیحات نظامی بر این کشور



تحمل شده است و خارج کردن لیبی از بند 7 منشور سازمان ملل.

نابود کردن گروه‌های تکفیری (داعش) - گروه‌هایی که امنیت مصر و سایر کشورهای شمال آفریقا را تهدید می‌کنند و در کوه‌ها یا مناطق ساحلی استقرار یافته‌اند - از طریق حمایت از تشکیل ارتش ملی قوی
محافظت از شهروندان مصری که در لیبی کار می‌کنند و جلوگیری از به قدرت رسیدن اخوانی‌ها در حکومت آینده لیبی (بخشی، 1396).

بنابراین اولویت سیسی و حامیان منطقه‌ای وی در لیبی، به قدرت رسیدن ژنرالی مانند حفتر است؛ زیرا در این صورت علاوه بر این که مصر از تبعات منفی هرج و مرج در لیبی در امان خواهد ماند، این کشور می‌تواند روابط اقتصادی نیرومندتری با لیبی برقرار و با قیمت مناسبی، نفت از این کشور وارد کند. در این صورت لیبی به محل مناسبی برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های مصری تبدیل خواهد شد.

6. چالش‌های سیسی و حفتر در استقرار قدرت در لیبی

دشمنی مصر با اسلام‌گرایان باعث شده قاهره یک رابط و میانجی بی طرف در صحنه لیبی باقی نماند و نیروهای اسلام‌گرا به نقش مصر با دیده تردید بنگرند. آنان معتقدند سیسی می‌خواهد در لیبی از طریق حمایت از خلیفه حفتر، تجربه مصر را شبیه‌سازی نماید. این نیروها باور دارند حفتر با حمایت مصر می‌خواهد سیسی نوین لیبی باشد و این امر باعث شده برخی در درون و برون لیبی بگویند: حفتر از الگوی ژنرال سیسی الهام می‌گیرد.

با وجود دغدغه‌های مشروع قاهره در قبال رویدادهای لیبی که ارتباط تنگاتنگی با امنیت مصر دارد و از قضایای استراتژیک این کشور است، این بیم امنیتی حاکم بر دولت مصر در ازای بحران و آن خصومت آشکار با جریان اسلام سیاسی، چالش بزرگی فرا روی نقش اثرگذار قاهره برای ارائه راهکاری مقبول

برای همه طرف‌های درگیر در لیبی است.

علاوه بر این، حامیان بین‌المللی اخوان المسلمین نیز به سادگی اجازه قدرت‌نمایی به محور حفتر - سیسی را در آفریقا نخواهند داد؛ زیرا سرمایه‌گذاری‌های عظیم لجستیکی و تسلیحاتی روی این گروه‌ها انجام داده‌اند. ظاهراً سیاست کنونی مصر در قبال بحران لیبی باعث شده مصر در رسیدن به اهدافی که در پی آن است، ناتوان باشد. شاید همین امر بطلبد که در این سیاست بازنگری گردد و مسئله اخوان المسلمین از بحران لیبی تفکیک شود و برای رسیدن به نقشی فعال‌تر جهت پایان بخشیدن به بحران، با همه نیروهای سیاسی لیبی با آغوش باز برخورد شود. هر چند در حال حاضر حداقل با توجه به اتخاذ استراتژی خصمانه حکومت مصر در قبال اسلام‌گرایان و نبرد علیه تروریست‌ها، چنین امری بعید به نظر می‌رسد (عوض، 1393).

علاوه بر مشکلاتی که مصر به عنوان یکی از بازیگران خارجی و حامی ژنرال حفتر در لیبی دارد، ژنرال حفتر نیز با مشکلاتی در مقایسه با سیسی در رسیدن به قدرت در لیبی مواجه است.

درحالی که از نظر تفکر و عقیده هر دو نفر بسیار نزدیک به هم هستند، تأثیر فعالیت‌های نظامی این دو نفر ممکن است با یکدیگر تفاوت داشته باشد. سیسی به ارتش مصر به عنوان تنها قدرت نظامی در این کشور تکیه داشت؛ درحالی که حفتر برای اقدامات نظامی نیازمند تأیید و حمایت‌شکننده باندهای مسلح محلی و افسران سابق ارتش لیبی است که به صورت موقت ضد دولت فعلی با یکدیگر متحد شده‌اند.

شرایط سیاسی و میدانی برای حفتر به مراتب دشوارتر از همتای مصری‌اش است. از طرفی سیسی با جنبشی اسلام‌گرا به نام جنبش غیر نظامی اخوان المسلمین روبرو بود که در فرایندهای سیاسی حضور داشت و از طریق دمکراتیک وارد پارلمان، ریاست جمهوری و مجلس سنا شده بود. حال آنکه



ژنرال حفتر با جنگلی از سلاح (اینک 50 میلیون قطعه سلاح در لیبی وجود دارد) و گروه‌های بنیادگرا تا بن دندان مسلح روبروست که دارای قابلیت‌های مبارزاتی بسیار زیاد به همراه تجهیزات سنگین هستند. علاوه بر این در لیبی نوعی دسته‌بندی قبیله‌ای، عشیره‌ای و منطقه‌ای نیز وجود دارد که اوضاع را برای حفتر بسیار سخت می‌کند (خبرگزاری فارس، 1393). از طرفی تفاوت دو چهره در تأثیرگذاری نظامی و به تبع آن تأثیرگذاری سیاسی و اجتماعی است. سیسی در رأس ارتش توانمند مصر، امکان ایجاد تغییر در معادلات سیاسی موجود مصر را داشت؛ اما حفتر که خود بازنشسته بوده و جز بخش‌هایی از نظامیان لیبی را پشت سر خود ندارد، امکان ایجاد تحولی هم‌سطح آنچه در مصر به وجود آمد را نداشته و ندارد (من هو اللواء الليبي المنشق خليفة حفتر، 2014). با این‌که در حال حاضر حفتر مهم‌ترین نیروی مسلح در لیبی است و دست برتر را در نبردهای میدانی دارد، مجموعه این چالش‌ها باعث خواهد شد مسیری که حفتر برای رسیدن به حکومت در لیبی طی می‌کند، مسیری سخت و طولانی باشد.

7. ژنرال حفتر و آینده سیاسی لیبی

با توجه به آنچه آمد، باید گفت به‌رغم حضور صدها گروه مسلح و شبه‌نظامی در لیبی، ژنرال حفتر یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین بازیگران صحنه سیاسی لیبی است که توانسته طی چند سال اخیر در لیبی به چهره‌ای شاخص تبدیل شود. تحمل سال‌ها ناامنی در لیبی توسط مردم و وضعیت بغرنج معیشتی و امنیتی این کشور باعث شده آنها به ژنرال حفتر به‌عنوان کسی که بتواند امنیت را در لیبی آینده برقرار کند، نگاه کنند. از طرفی میان مقامات سیاسی لیبی و دولت وفاق ملی به‌عنوان دیگر بازیگر اصلی صحنه لیبی، این باور به‌وجود آمده است که بدون پذیرش حفتر در صحنه سیاسی و قدرت لیبی نمی‌توان به یک نتیجه مطلوب رسید. لذا تلاش‌هایی از سوی دولت وفاق ملی برای مذاکره با حفتر و توافقاتی

انجام شده که یکی از آنها برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در مارس 2018 است که ژنرال حفتر نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از نامزدهای ریاست‌جمهوری در آن کاندید شود (السراج و حفتر يتوصَّلا...، 2017). لذا در صحنه داخلی حفتر از مقبولیت نسبی برخوردار است، علاوه بر این، حمایت‌های خارجی از ژنرال حفتر نیز باعث شده وی پیروزی‌هایی را در صحنه میدانی لیبی به‌دست آورد. در میان حامیان خارجی حفتر، مصر به‌عنوان یکی از همسایگان لیبی و کشوری که بیشترین تأثیر را از تحولات لیبی پذیرفته، حمایت ویژه‌ای از ژنرال حفتر انجام داده است؛ به‌طوری که بسیاری از جریان‌های داخلی لیبی و سایرین، حفتر را با ژنرال سیسی مقایسه می‌کنند.

به نظر می‌رسد در صورت موفقیت جریان حفتر که از حمایت همسایگان و دیگر قدرت‌ها برخوردار است این جریان توانایی آن را داشته باشد در آینده، لیبی را حداقل در بخش‌هایی به سمت ثبات حرکت دهد. البته باید متذکر شد این جریان لزوماً یک حرکت مردم‌سالارانه نخواهد بود؛ بلکه ب‌مانند مصر و حرکت ژنرال السیسی کاملاً اقتدارگرایانه است و شاید بتوان گفت تاریخ بار دیگر در لیبی به شکل و صورت دیگری در حال تکرار است.

همان‌طور که اشاره شد، با این‌که شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به صورت نسبی، شرایطی مناسب برای حفتر در رسیدن به قدرت و حکومت لیبی است، وی برای گذار از این مرحله، با چالش‌هایی مواجه است که عدم پذیرش از سوی گروه‌های کوچک مسلح اما مؤثر و قدرتمند و اختلافات داخلی مهم‌ترین مانع در این مسیر است. گرچه ژنرال حفتر اکنون به‌عنوان یک بازیگر با پتانسیل بالا قلمداد می‌شود که شاید با حمایت‌ها بتواند ثبات نسبی را بازگرداند و اقدامات نظامی‌اش در کوتاه‌مدت زمینه شکست تروریست‌ها و ایجاد امنیت در مناطق بی‌ثبات لیبی را فراهم آورد، این اقدام‌ها زمانی تأثیرگذار خواهد بود که در سایه یک دولت منسجم و مقتدر انجام شود. همچنین این موضوع زمانی نتیجه



مثبت خواهد داشت که نخبگان سیاسی این کشور به درک مشترک ملی واقف شوند تا تضادها پوشش داده و به نیرویی قوی برای ایجاد ثبات و اداره کشور تبدیل شود. در حقیقت اولویت نخست نخبگان باید ایجاد وحدت میان اهداف و حول بازسازی امنیت در این کشور باشد. طبعاً با شرایط موجود در لیبی که بخشی از آن عارضی و بخش دیگر ساختاری است، حداقل در کوتاه مدت، امکان شکل گیری دولت مرکزی باثبات و قدرتمند در لیبی وجود نخواهد داشت.

نتیجه گیری

در مجموع با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی لیبی باید گفت این کشور سال‌های دشواری را چه در دوره قذافی در مدت 42 سال دیکتاتوری و چه در دوره بعد از انقلاب سپری کرده است. هرچند مردم لیبی انتظار داشتند تا بعد از سقوط قذافی، دوران جدیدی از حکومت را در کشورشان تجربه کنند، اما وضعیت طوری پیش رفت که بعد از گذشت 6 سال از قیام مردم لیبی، هرج و مرج حاکم بر این کشور و ناامنی‌های ناشی از حضور صدها گروه مسلح و شبه نظامی باعث شده تا امنیت اولین و مهم ترین نیازی باشد که مردم لیبی آن را مطالبه می کنند.

وضعیت بحرانی لیبی باعث شده گروه‌ها و جریان‌هایی که از زور و قدرت بیشتری برخوردارند، بتوانند اراده خود را نیز بر سایر گروه‌ها و مردم تحمیل کنند. در این میان، ژنرال حفتر به عنوان یکی از طرفین اصلی بازی در لیبی، با توجه به پیروزی‌هایی که در مبارزه با گروه‌های مسلح و تروریستی در لیبی به دست آورده، توانسته جایگاه و وزن مناسبی هم در داخل کشور، هم در جلب حمایت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پیدا کند. حضور پر قدرت حفتر در صحنه میدانی لیبی، دولت فائز السراج را نیز مجبور کرد تا با ژنرال حفتر مذاکره و توافقاتی را نیز انجام دهد. به نظر می‌رسد با توجه به پذیرش حفتر از سوی دولت وفاق ملی، پذیرش نسبی مردمی به دلیل امیدواری به تأمین امنیت از سوی





حفتر و حمایت‌های خارجی که از حفتر به‌ویژه از سوی مصر و برخی دیگر از کشورهای عربی می‌شود، باید ژنرال حفتر را یکی از گزینه‌های اصلی حضور در رأس هرم قدرت در آینده سیاسی لیبی تلقی کرد. هرچند ذکر این نکته نیز ضروری است که به‌دلیل مداخله مؤلفه‌های متعدد در صحنه داخلی لیبی و عناصر آشوب‌ساز خارجی، شرایط می‌تواند متفاوت از چیزی باشد که ژنرال حفتر در وضعیت فعلی از آن برخوردار است.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ابراهیم‌نیا، حسین (1394)، نقش عوامل خارجی در بحران لیبی، اندیشکده تبیین، 28 اردیبهشت 1394.
- ابراهیمی، نبی‌الله (1393)، روند دولت - ملت‌سازی در تونس و لیبی پس از انقلاب، مرکز مطالعات خاورمیانه، 31 خرداد 1393.
- اکبری، حسین (1395)، مواضع منطقی ایران در قبال لیبی، خبرگزاری فارس، 1 آبان 1395.
- امام جمعه، سید جواد (1392)، شکل‌گیری جامعه مدنی در لیبی بعد قذافی: ضرورت‌ها، موانع و راهکارها، راهبرد، شماره 67، سال 22، تابستان.
- بخشی، حامد (1396)، بحران داخلی لیبی؛ بازیگران و منافع پیش رو، 29 اردیبهشت 1396، دسترسی در: <http://tanincenter.com/content/619>
- حکمتیان، مصطفی (1393)، واکاوی مداخله مصر در لیبی، 1 بهمن 1393، دسترسی در: <http://didban.ir/fa/news-details/22444/>
- خبرگزاری فارس، سودای ریاست‌جمهوری ژنرال حفتر، 3 آذر 1393.
- خبرنامه تحولات لیبی، ادعای حمایت کشورهای حاشیه خلیج فارس، مصر و آمریکا از حفتر، شماره 60، خرداد 1393.
- خبرنامه تحولات لیبی، کودتا شمردن اقدامات حفتر از سوی اخوان لیبی، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، شماره 59، اردیبهشت 93.
- خلیفه حفتر کیست؟، 2 خرداد 1393، دسترسی در: <http://www.isna.ir/news/93022918734/>
- روبین، باری (1380)، ارتش و سیاست در خاورمیانه معاصر، ترجمه ناصر پورحسن، نشریه علوم سیاسی، شماره 27.
- سمیعی اصفهانی، علی‌رضا و جعفر نوروزی‌نژاد (1393)، شکاف‌های اجتماعی و جنبش‌های سیاسی در خاورمیانه، مطالعات سیاسی جهان اسلام، بهار 1393، شماره 9.
- شفیعی، یوسف (1393)، طرف‌های درگیر در بحران لیبی کدامند؟، 4 اسفند 1393، دسترسی در: <http://www.seratnews.ir/fa/news/228936/>
- عوض‌پور، مهدی (1393)، تأثیرات بحران لیبی بر امنیت مصر، اندیشکده تبیین، 1393/6/30.
- عوض، شحاته (1393)، خصومت با اخوان المسلمین؛ چالشی فراوری نقش منطقه‌ای مصر، 17 آبان 1393، دسترسی در: <http://www.islahweb.org/content/2014/11/13093/>
- فخر طاولی، کوروش (1393)، لیبی و بسترهای قدرت‌گیری ژنرال حفتر، IPSC مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، 4 تیر 1393.
- گروه‌های که بر لیبی تسلط دارند، 23 شهریور 1395، قابل دسترسی در: <http://sarzaminmaniran.ir>
- لطفیان، سعیده (1388)، مداخله نظامیان در سیاست خاورمیانه، فصلنامه سیاست، دوره 39، شماره 54.

- لطیفی رستمی، سید روح الله (1395)، بحران لیبی؛ ریشه‌های داخلی و بین‌المللی و آینده آن، 27 اسفند 1395، دسترسی در: <https://magito.ir/news/world/757329>
- لیبی و سناریوهای آینده؛ سرزمین عمر مختار قربانی ماجراجویی غربی — عربی، 10 اسفند 1393، دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/12/10/668879/>
- نگاهی به روند تحولات لیبی، پایگاه خبری - تحلیلی الوقت، 15 شهریور 1395.
- هانتینگتون، ساموئل (1386)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- یزدانی، نجف (1393)، بررسی امکان مداخله نظامی خارجی در لیبی، 11 اسفند 1393، دسترسی در: <http://tabyincenter.ir/14163>

منابع عربی

- دواعی التقارب بین حفتر والسراج وآفاق تسوية الأزمة الليبية، ۲۳ می ۲۰۱۷، دسترسی در: <http://studies.aljazeera.net/ar/positionestimate/۲۰۱۷/۰۵/۱۷۰۵۲۳۰۸۱۷۰۲۹۱۵.html>
- السراج وحفتر يتوصلان إلى اتفاق بشأن الأزمة الليبية في أبوظبي، دسترسی در: http://www.huffpostarabi.com/۲۰۱۷/۰۵/۰۲/story_n_۱۶۳۹۲۶۲۲.html, ۰۲/۰۵/۲۰۱۷
- غامهي، منية (۲۰۱۶)، بعد تزايد دعمه داخليًا وخارجيًا.. أي مستقبل سياسي للجنرال حفتر؟، ۷ أكتوبر ۲۰۱۶، دسترسی در: <https://arabic.cnn.com/world/۲۰۱۶/۱۰/۰۷/haftar-libya-future>
- فاروق، علاء (۲۰۱۶)، ليبيا بعد الصخيرات وأبعاد الدور المصري، فبراير ۱۱، ۲۰۱۶، دسترسی در: <http://www.eipss-eg.org/۲/۰/۴۱۱>
- من هو اللواء الليبي المنتشق خليفة حفتر، ۲۰۱۴، دسترسی در: www.bbc.com/arabic/middleeast/.../۱۴۰۵۲۱_libya_profile_haftar

منابع لاتین

- Chauvet, Lisa, Collier, Paul, Hoeffler, Anke (2007). The Cost of Failing States and the Limits to Sovereignty, IRD, DIAL, Paris and Centre for the Study of African Economies, University of Oxford, February 2007, Available at: http://users.ox.ac.uk/~ball0144/cost_failing_states.pdf
- LIBYA: NO SOLUTION WITHOUT HAFTAR, 2016, Available at: http://www.invisible-dog.com/haftar_eng.html.
- Majorino, Silvio (2015). Libya, who is General Khalifa Haftar?, JAN 21, 2015, Available at: <http://mediterraneanaffairs.com/libya-who-is-general-khalifa-haftar/>.
- Newman, Edward (2009). "Failed States and International order: Constructing a Post- Westephalian world" <http://www.contemporarysecuritypolicy.org/assets/CSP-30-3-Newman.pdf>.

